

روایتی از عثمان محمد دوست که پنجشنبه گذشته دار فانی را وداع گفت

غمّت در نهان‌خانه دل نشیند

هما سعادت‌مند

عثمان خوافی سال‌های بسیاری بوده‌که به‌عشق امام رضا^(ع) در مشهد زندگی می‌کرد. او که سال ۱۳۹۶ نخستین هنرمندی بوده‌که کاشی‌ماندگار خراسان رضوی بر سر در منزل نصب شد، قطعات بسیاری را در مدح ائمه اطهار^(ع) خلق کرد. اوبه زیبایی توانست بازبان موسیقی مروج فرهنگ‌دینی و آیینی این مرزوبوم باشد. عثمان پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت در سن ۹۴ سالگی از میان ما رفت و تار شکست و دوتار خراسان مرد. مردی که سوز «نوابی»خواندنش تاهمیشه باگوش‌دشت‌های خراسان آشناست.

عظمت این خبر را ظهر پنجشنبه، فیلمی که در فضای مجازی از آخرین لحظات او ثبت شده، کامل می‌کند. عثمان روی تخت، لای نوره‌ای سفید، دراز کش افتاده، عده ای بالای سرش تا می‌زنند و «نوابی» را زمزمه می‌کنند. هر چند بیت، سکوت کرده، تا صدای در خس نشسته او که دیگر نایش بریده، چند کلمه ای نوابی را بنالد. حضار دم‌گرفته اند به: «مرجان دلم را که این مرغ وحشی...» عثمان روی ثانیه پنجاه و هشتم این فیلم، آماده است که بخواند. و می‌خواند. «آهسته و جانکه»: «ز بامی که برخواست مشکل نشیند.» و اینجاست که ناگهان، دستش را که دیگر خودش تار شده و با ضرب در هوانتکان می‌خورد، سر خم می‌کند و می‌افتد.

از دیروز مدام این صحنه در سرم تکرار می‌شود. می‌گویم، هیچ کس جز خود او نمی‌توانست، یابانی چنین باشکوه بیافریند. مثل همه آنچه‌تا کنون آفریدودر خاک خراسان دفن کرد. برای روزی که ریشه‌دهد، سبز شود و مانای بکند. او را می‌شناختم، مثل همه اهالی خراسان. از مردم روزگار خودش بود با همان آداب و ادب. یک بار دیده بودمش توی سفری که به خواف داشتیم. خاطرم هست که در خانه اش با بود. آن‌ها که بسیار به اینجا آمد و شد داشتند، می‌گفتند که در این حیاط همیشه باز است، آن‌طور که به‌حق الباب‌ه‌بنیای ندارد. در واقع خانه‌عثمان همیشه مثل سرش شلوع بود. صبح تاشب به قول خودش روی نالینچه (تشک) می‌نشست و آمدگان و شوندگان را مهمان زخمه ای از هزار زخم ناگفته اش می‌کرد.

حقیقت، این دوسه سال کرونا گرفته، ندیدمش و آخرین باری هم که او شنیدم در گفت‌وگوی با «هوشنگ جاوید»، پژوهشگر موسیقی نواحی و آیینی ایران بود. حوالی بهمن سال گذشته که آمده بود مشهد تا برای آخرین کتابش که «خنیاگر تنها» نام داشت، قرارداد ی با حوزه هنری خراسان امضا کند. کتاب خنیاگر تنها (ویراستاری اش تمام است اما هنوز چاپ و منتشر نشده) حاصل گفت‌وگو، مصاحبت و نشستن ه‌او بر خاستن های چند ساله جاوید با پیر خنیاگر خراسان، عثمان است. ثبت لحظه‌هایی از گفتار او در زمانه‌ای که دستش رمقی داشته و صدایش نفسی جاویدان زمان می‌گفت. او کسی است که آخرین آواز عثمان محمد پرست را ضبط کرده است. این آواز که درون مایه آن مدح حضرت رضا^(ع) است، همین چند ماه پیش و هنگام ضبط برنامه «آواها و نواهای رضوی» ثبت شده که به همت مؤسسه آفرینش های آستان قدس رضوی انجام گرفته است.



عثمان محمدی دوست به همراه حسین علیزاده

دل نوشته هوشنگ جاوید در سوگ عثمان محمد پرست

همین است که پس از شنیدن این اتفاق به نخستین کسی که زنگ می‌زنم، اوست. می‌گویم سلام آقای جاوید. عثمان هم رفت. بغض دارد و نمی‌تواند حرف بزند. به یادش می‌آورم در گفت‌وگویی که با هم داشتیم، گفته بود: رفتن این آدم‌ها به این سادگی نیست. وقتی این‌ها می‌روند، حداقل نیم قرن طول می‌کشد تا یکی نظیرشان بیاید و اصلاً خدا می‌داند این قرن جدیدی که در آن می‌افتیم، دیگر چنین انسان‌هایی ظهور کنند و چراغ موسیقی مقامی را روشن نگاه دارند یا نه. در دو دهه گذشته، نسبت به موسیقی مقامی چنان جفایی رخ داد که جبرانش ده‌ها طول می‌کشد و افسوس که وقتی از دست می‌رود، می‌فهمیم چه اتفاقی افتاده است.

هوشنگ جاوید در میان این مصاحبه تازه اما تأکید می‌کند، س‌وای بحث موسیقی مقامی کاری که عثمان در آبادانی خواف کرد، آن قدر تصویر مثبت از این آدم ارائه می‌دهد که هر کسی جای مسئولان این شهرستان بود، تندیس او را می‌ساخت و ابتدای شهر می‌گذاشت. عثمان تنها عثمان تار و مقام نبود، عثمان راه‌ساز بود. عثمان مدرسه‌ساز بود و در یک کلام دستگیر مردمش... هوشنگ جاوید در ادامه لطف کرده و قایل برش‌هایی از کتاب «خنیاگر تنها»، ابرار ایمان ارسال می‌کند که سطرهای بعدی بخشی از آن است.

● استاد شما چگونه با تار و موسیقی مقامی آشنا شدید و چه رنج‌هایی در این راه کشیدید؟

خواننده‌ای بود به نام «دردشتی»، که دوست داشتم صدایش را بشنوم، آن زمانی که ما مدرسه می‌رفتیم، یک عده از جوان‌ها زمان بیکاری می‌رفتند در مغازه خیاطی که نامش «خلیفه اعظم» بود، جمع می‌شدند، آنج‌امی نشستند و دوتار می‌زدند، من آن زمان، هر وقت از مدرسه می‌آمدم، به در آن مغازه که می‌رسیدم یک گوشه می‌ایستادم و نگاه می‌کردم و گوش می‌دادم، تا اینکه یک روز به دنبال یکی از آن جوان‌ها که دوتار می‌زد، راه افتادم و رفتم، درست به همان راهی می‌رفتم که من مسیرم بود، در یک لحظه رفتم کنارش و بی‌معطلی پرسیدم: برادر جان، همان دوتار ت را به من می‌دهی که ببینم، بی‌معطلی گفت: «بفرمایید» می‌رفت که من مسیرم بود، در یک لحظه رفتم کنارش و دوتارش را داد به دست من، بعد هم به این بهانه به همراه اوبه خانه‌اش رفتم. او آن زمان دوتار زدن را تمرین می‌کرد، دوتار نواز نبود، آن زمان دوتارها سیم‌نداشت با روده «زه» می‌ساختند و می‌نواختند. هفتاد و پنج سال پیش در جنوب خراسان هنوز وتر (رشته‌های تار) دوتارها با «زه» بوده‌نه با «سیم». او هم آن دوتار را تمرین می‌کرد، نام آن فرد «غلام‌علی سیمعی» بود که بعدها امام‌ما شد. من از او خواهش کردم که دوتارش را به من بدهد تا به خانه‌مان ببرم، گفت: «ببر». دوتار را که به خانه بردم، پدر و مادرم انکار دنیا روی سرشان خراب‌شد، نفرین، آه و وایلا. گفتند: «آبروی ما را بردی، این چه کاره که تومی‌کنی، مدت‌ها در غم و غصه بودندی و از من دوری می‌کردندی.

من تحمل می‌کردم، به حساب خودمان مرا «عاق» کردند که این بچه‌ما نیست، «بعد‌ها از این کار دست برداشتند. برگشتند از نظرشان، حرکاتی از من دیدندی که رفتارشان را عوض کرد.



عثمان محمدی دوست به همراه حسن کسائی

خدا حافظ عثمان محمد پرست ایران دوست هنرمند، صحنه‌اترک کردی؟ اما با چپراگلاس سوادت و یک دوتار ساده و کمی استعداد آواز، چه کردی؟! اول خط اتوبوس بین شهری راه‌انداختی تا مردم منطقه محروم خواف در آن زمان به شهرهای بزرگ راه پیدا کنند، چقدر مدرک گرفته‌ها از این مه‌رتو تقدیر کردند؟

بعد با کمک دو یار کاشانی و مسیحی‌ات، به



عسکین، رضا چنگی‌الهیوزار

● آیا پس از شما، فرزندان‌تان هم راه شما را ادامه داده‌اند؟ نخواستم فرزندانم به سمت موسیقی بروند، چون موسیقی بدنامی فراوان دارد! مثل کاری که الان دارد می‌شود، من نه مسکرات خورده‌ام، نه حتی سیگاری به لب برده‌ام. در حالی که خیلی‌ها رادیده‌ام که رفته‌اند سمت خلاف. حتی عده‌ای را از چنگال مواد مخدر رهانده‌ام، چون در زندگی تمام کارهایم بر اساس تصمیم‌های خودم انجام شده، اشتباهات زیادی هم داشته‌ام، در این میان کسانی هم بودند که توی سرم زدند، بغیتم را کردند، بدگویی‌ام را کردند، اما من کار خودم را ول نکردم، راه خودم را رفتم، اما خدا را شکر می‌کنم که با نوای این دوتار و وجود خودم، کارهای خیری انجام داده‌ام که همگان می‌دانند. می‌شنوند، مرا بس است همین و این اندازه که از موسیقی به من رسید کافی است.

حالا دیگر تنها، گرفتار و فکری که می‌شوم، دوتار می‌زنم، تازه نصف‌آهنگ‌ها را این چند ساله فراموش کرده‌ام، چون زنده‌ام.

● استاد در مورد پرده‌های دوتار خراسانی، بزرگی کاسه و کوچکی آن، تفاوت پرده‌ها و کارهایی که کرده‌اید یک مقدار توضیح بفرمایید؟

عرض کنم سازهایی که در خواف بود و در منطقه ما و الان هم هست، دوازده تا پرده دارد.

● این پرده‌ها نام مشخصی دارند؟

بله، مثلاً به پرده‌های ۲ و ۳ همیشه می‌گفتند «شاه‌پرده» (پرده‌ای را وسط بسته‌نشان می‌دهد) بر اصل این یکی



مراسم به خاک سپاری عثمان محمدی دوست

مدرسه‌سازی در مناطق محروم روی آوردی، آن هم در زمانه‌ای که هیچ کس به این اندیشه‌ها نبود، عثمان تو چقدر عاشق بودی مرد یادم هست که در نخستین همایش چهره‌های ماندگار گفتی: این سازم مثل خودم پیر شده، حالا از ما چی بریاد خدا می‌دونه! یادت باشد جای دیگر هم گفتی: خداوند جهان هستی را بر مبنای موسیقی آفرید، ما نباید مغلوب تنها چهره‌نگی شویم، موسیقی مقامی پرایت

مدرسه‌سازی در مناطق محروم روی آوردی، آن هم در زمانه‌ای که هیچ کس به این اندیشه‌ها نبود، عثمان تو چقدر عاشق بودی مرد یادم هست که در نخستین همایش چهره‌های ماندگار گفتی: این سازم مثل خودم پیر شده، حالا از ما چی بریاد خدا می‌دونه! یادت باشد جای دیگر هم گفتی: خداوند جهان هستی را بر مبنای موسیقی آفرید، ما نباید مغلوب تنها چهره‌نگی شویم، موسیقی مقامی پرایت

مدرسه‌سازی در مناطق محروم روی آوردی، آن هم در زمانه‌ای که هیچ کس به این اندیشه‌ها نبود، عثمان تو چقدر عاشق بودی مرد یادم هست که در نخستین همایش چهره‌های ماندگار گفتی: این سازم مثل خودم پیر شده، حالا از ما چی بریاد خدا می‌دونه! یادت باشد جای دیگر هم گفتی: خداوند جهان هستی را بر مبنای موسیقی آفرید، ما نباید مغلوب تنها چهره‌نگی شویم، موسیقی مقامی پرایت

مدرسه‌سازی در مناطق محروم روی آوردی، آن هم در زمانه‌ای که هیچ کس به این اندیشه‌ها نبود، عثمان تو چقدر عاشق بودی مرد یادم هست که در نخستین همایش چهره‌های ماندگار گفتی: این سازم مثل خودم پیر شده، حالا از ما چی بریاد خدا می‌دونه! یادت باشد جای دیگر هم گفتی: خداوند جهان هستی را بر مبنای موسیقی آفرید، ما نباید مغلوب تنها چهره‌نگی شویم، موسیقی مقامی پرایت

مدرسه‌سازی در مناطق محروم روی آوردی، آن هم در زمانه‌ای که هیچ کس به این اندیشه‌ها نبود، عثمان تو چقدر عاشق بودی مرد یادم هست که در نخستین همایش چهره‌های ماندگار گفتی: این سازم مثل خودم پیر شده، حالا از ما چی بریاد خدا می‌دونه! یادت باشد جای دیگر هم گفتی: خداوند جهان هستی را بر مبنای موسیقی آفرید، ما نباید مغلوب تنها چهره‌نگی شویم، موسیقی مقامی پرایت

درنگ

واکنش مسئولان و هنرمندان به درگذشت عثمان

عثمان، جانی جدا از جان فرهنگ و هنر نداشت

درگذشت عثمان محمد پرست، دوتار نواز شناخته شده که چندی بود فامیلش را به محمدی دوست تغییر داده بودندنه تنها جامعه هنری خراسان بلکه اهالی فرهنگ و هنر کشور را هم عزادار کرد. در پی این فقدان نیز مسئولان کشوری و استانی دست به قلم شدند و پیام‌های تسلیتی را صادر کردند. همچنین گروهی از هنرمندان نیز با انتشار متن‌هایی در فضای مجازی به خبر درگذشت محمدی دوست واکنش نشان دادند.

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی درگذشت عثمان محمد پرست، نوازنده چیره‌دست موسیقی نواحی را تسلیت گفت و نوشت: «خبر درگذشت استاد عثمان محمد پرست، یکی از مهم‌ترین بازماندگان موسیقی مقامی جنوب خراسان خبری تلخ بود. آن مرحوم جانی جدا از جان فرهنگ و هنر نداشت و غمش در نهان‌خانه دل دوستداران موسیقی نشست. مروری بر دوره ربار و تأثیرگذار فعالیت هنری استاد محمد پرست، تلاش و تکاپوی این هنرمند را در حفظ جایگاه میراث ارزشمند موسیقی اصیل ایرانی و سرمایه فرهنگی ما به خوبی بیان می‌کند. اگر چه استاد محمد پرست از میان ما رفت، اما آوای منحصر به فرد، زیبا و روح نواز این استاد فقید همیشه در حافظه موسیقی مقامی ایران جاودان خواهد ماند. این هنرمند فقید در طول زندگی حرفه‌ای خود، خدمات گسترده و دغدغه‌مندی عمیقی در عرصه فرهنگ و هنر بومی داشت، مرد بزرگی که هرگز برای پول نخواست با این وصف در امر ساخت بیش از ۹۰۰ مدرسه به همراهی خیرین دیگر مشارکت کرد.»

محمود سالاری، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیز در پیامی ضمن تسلیت این فقدان یادآور شد: «موسیقی مقامی خراسان، یکی از پیشکسوتان خود مرحوم حاج عثمان محمد پرست که نامش با نواهای محلی و نوازندگی کهن ساز دوتار مانوس بود را از دست داد. تأثیر ایشان در عرصه موسیقی مقامی کشورمان انکارناپذیر است. حنجره گرمش و نوای دوتاروی با پنجه سحرآمیزش از چاوشی و سرحدی گرفته تا دیگر مقام‌های آن دیار هرگز از ذهن پاک نمی‌شود.»

محمد... یاری مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در پیامی درگذشت استاد محمد پرست را تسلیت گفت. ... یاری با اشاره به ثبت نام مرحوم محمد پرست به عنوان گنجینه زنده بشری در زمینه موسیقی مقامی در میراث فرهنگی ناملموس کشور طی ستوات گذشته بیان کرد: «قریب به یک قرن زندگی و ده‌ها سال تلاش در زمینه ساخت آثار ماندگار موسیقی نواحی کشور، حاصل شخصیت کسی بود که امروز چهره در نقاب خاک کشید.»

علی دارابی، قائم مقام وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با تسلیت درگذشت استاد محمد پرست در بخشی از پیام خود چنین بیان کرد: «حاج عثمان محمد پرست، چهره ماندگار، خبر مدرسه‌ساز و هنرمندی که جایگاه والای هنری او در پرورنده میراث جهانی دوتار مورد توجه قرار گرفته و نام او در فهرست گنجینه زنده بشری میراث فرهنگی ناملموس ایران نقش بسته است، به رحمت ایزدی پیوست.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی هم در پیامی درگذشت اسطوره موسیقی مقامی، استاد عثمان محمدی دوست را تسلیت گفت. در بخشی از پیام محمد حسین زاده آمده است: «سپید موی سپید کردار و روشن ضمیر موسیقی مقامی ایران، استاد عثمان محمد پرست، خدا پرست دیار خواف که با عنایت الهی روزگاران را با لحن و نعمات عارفانه به تسبیح سبحان مشغول بود، به نیک سرانجامی پس از عمری دلسوختگی هنر و خیر و حق به دیدار معبود رسید و با فقدان خود، مریدان و شاگردانش را از سماع نجوای استادانه ابیات واد کار و شور سرانگشتان افسونگرش محروم ساخت و جامعه فرهیختگان و هنرمندان موسیقی مقامی را به ماتم نشاند. اکنون ممنوا یا یا یا ان اردیبهشت پاییزگون موسیقی خراسان، افول اختر دوتار ایران را به سوگ می‌نشینیم و به احترام او، بلندای مقامش را در طومار خوش نغمه فرهنگ و هنر دیارمان ارج می‌هیم و آمرزش و عفران باری تعالی را برای روح سترگش مسئلت می‌نماییم.» رضا هژبر کلالی، سرپرست معاونت هنری و سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، نیز در پی این فقدان نوشت: «زنده یاد محمد پرست، نیکوکار و نیک اندیش مدرسه‌ساز، خدمات بی نظیری را به جامعه هنری ایران ارائه نمود که از جمله آن پرورش شاگردان موسیقی با تربیت سبک زندگی است. رویکرد موسیقی ایشان بر محور اعتقاد و باورهای انسانی، اخلاق و خیرخواهی بود. هر علاقه‌مند به موسیقی مقامی با صدای دوتار او آشناست.» در میان هنرمندانی که به درگذشت استاد محمد پرست واکنش نشان داده‌اند می‌توان به کیهان کلهر، رضا کیانیان، کیوان ساکت، بهروز شعیبی، تهیمیه میلانی، محسن شریفیان، سامان احتشامی، ابراهیم ایرج زاد، ستاره اسکندری، مجید صالحی، رضاد میشیان، علی قمصری، آریا عظیمی نژاد، سامی یوسف، مازیار شاه‌ی، سهراب پورناظری، محسن عبادی، امید نعمتی، حسن آخوندپورو جواد علیزاده اشاره کرد.

تشکیل گروه سرود دهه نودی‌ها در مشهد



مدیرفرهنگ‌سرای کودک

وآینده‌شهرداری مشهداز تشکیل بزرگ‌ترین گروه سرود دهه نودی‌ها با نام اجتماع یاران خراسانی، در مشهد خبر داد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، حمید صادقی با بیان این خبر گفت: پس از فراخوان کودکان و نوجوانان دهه‌هشتادی و دهه‌نودی برای خواندن سرود، «سلام فرم‌انده در عرصه میدان شهادت» این ششیم‌تار از ظرفیت موجود در این برنامه برای شهر مشهد استفاده کنیم. به گفته او، با تشکیل این گروه سرود، «یاران خراسانی»، برای مشهدی می‌توان در بازه‌های زمانی مختلف از جمله دهه کرامت و ولایت از این ظرفیت بزرگ شهر استفاده کرد. مدیرفرهنگ‌سرای کودک و آینده شهرداری مشهد بیان کرد: فراخوان مخاطبان دهه نودی برای تشکیل گروه سرود منتشر شده و علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال عدد ۱۴ به سامانه ۱۰۰۱۰۸ ثبت‌نام کنند. پس از ثبت‌نام، تستی از همه شرکت‌کنندگان در محل فرهنگ‌سرای کودک و آینده گرفته می‌شود و پس از آن گروه سرود، «یاران خراسانی» تشکیل خواهد شد. صادقی تصریح کرد: ۳۱۲ نفر از کودکان منتخب در فراخوان برای خواندن سرود، «سلام فرم‌انده» در مراسم یادواره شهیدای مدافع حرم مشهدی در ورزشگاه امام رضا^(ع) حضور پیدا خواهند کرد. پس از آن در نزدیک‌ترین رویداد پیش‌رو در دهه کرامت، منتخبان برای یک سرود ویژه با موضوع «امام مهربانی‌ها و مشهد، آماده می‌شوند.

شهر

شنبه ۱۹ شهریور ۱۴۴۳ شماره ۱۵

۱۵

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر